پیام پاپ به مناسبت روز جهانی صلح ۲۰۱٦

۱ـ خدا بی تفاوت نیست، انسانیت برای خدا از اهمیت خاص برخوردار است. در آغاز این سال جدید، در نشانه ای از امید، برای آینده هر زن و مرد، هر خانواده، ملت و کشور جهان، و همچنین رؤسای ملل، و همه ی مسؤولان مذهبی، آرزوی نعمت های فراوان و صلح را مینمایم.

بنابراین، امید را از دست ندهیم، باشد سال ۲۰۱۶ ، ما را در تلاش در سطوح مختلف برای رسیدن به عدالت و صلح به صورتی پایدار، محکم و با اطمینان، ببیند. آری این عدالت و برقراری صلح، هدیه خداوند است، و نتیجه کار انسانها. صلح، عطیه پروردگار است، ولی به همه مردان و زنان که برای اجرای آن فرا خوانده شده اند، سپرده شده است.

خرد ها را برای امید محافظت نمود

۲- این سال از آغاز تا پایان توسط جنگ ها و فعالیت های تروریستی، با عواقب ناگواری که به همراه دارند، مانند گروگان گیری، آزار و اذیت به خاطر سنت و مذهب، خیانتها، ، وخامت و رنج در تمام مناطق جهان، رقم خورده است، با ویژگیهای که میتوان «جنگ جهانی سوم» تلقی کرد. اما بعضی از رویدادهای سالهای گذشته مخصوصاً سالی را که پشت سر گذاشته ایم، مرا بر این می‌دارد تا، در دیدگاه سال جدید، تقاضای از دست ندادن امید در توانایی انسان همراه با شفقت خدا، را تجدید کنم ، تا بر بدی غلبه نموده خود را در شکست خوردگی و بیتفاوتی رها ننمود و بر آن فائق آمد.

رویداد هایی که به آن اشاره می‌نمایم، بیانگر بیتفاوتی و سردی در مقابل شرایط بحرانی، بیانگر توانایی انسان برای ایجاد همدردی است، که فراتر از خواسته های انفرادی می‌روند.

در این میان میخواهم به تلاش بی وقفه سران کشورها برای ملاقات و گفتگو ، در مورد شرایط محیطی و اقلیمی اشاره نمایم ، تا در پایان راه حل هایی را برای رفع مشکلات محیط زیستی و محافظت از زمین، خانه مشترک همه ی ما، جستجو نمود. این موضوع، یادآور رویداد دیگری نیز هست « اجلاس سران دولتها برای جذب سرمایه و توسعه پایدار جهانی، همچنین لایحه تصویبی سازمان ملل مبنی بر توسعه پایدار که در برنامه

سال۲۰۳۰ گنجانده شه است، در نهایت برای ایجاد اطمینان از یک هستی واجد شرایط همگانی باشد، مخصوصاً برای قشر فقیر جهان و تا آن سال اجرا گردد.

سال ۲۰۱۵، سالی با ارزش برای کلیسا بود، چرا که در آن شاهد برگزاری پنجاهمین سالگرد انتشار دو مدرک مهم مجمع واتیکان دوم بودیم که به نحو احسن بیانگر همدردی کلیسا در جهان هستند. پاپ مقدس یوحنای بیست و سوم، در مراحل آغازین مجمع، تقاضا نمود تا پنجره های کلیسا را بگشاید تا به وسیله ی آن تمام جهان برای گفتگو و تعامل مشارکت نمایند. دو مدرک « زمان ما (Nostra astate) و شادی و امید (Gaudium et spes) عباراتی هستند، حاکی از یک گفتگو و گزارشی جدید از همدردی و همراهی که کلیسا قصد داشت تا در درون بشریت وارد کند. در نامه « زمان ما » کلیسا برای گفتگو با سایر مذاهب دعوت گردیده است.. در نامه شبانی « شادی و امید »، از آنجا که « شادی و امید، غم و اندوه انسان های امروزی، فقرا و مخصوصاً همه آنانی که رنج می‌کشند، بیانگر شادی ها و امید ها، غم و اندوه شاگردان مسیح نیز هستند»، کلیسا صمیمانه قصد داشت تا با خانواده های بشریت در باره مشکلات جهان، به گفتگو بپردازد، تا نشانه ای باشد از همبستگی، احترام و محبت.

در همین چشم انداز، سال مقدس رحمت، میخواهم کلیسا را دعوت نمایم تا دعا کرده تلاش نماید تا هر مسیحی بتواند قلبی فروتن و همدرد با دیگران را پرورش دهد، و رحمت را بشارت و شهادت دهد « برای بخشش و فداکاری»، برای در اختیار دادن خویش برای آنانی که در بدترین شرایط زندگی در حومه، که جهان مدرن به صورت اسف بار، به وجود آورنده ی اصلی آن است، به سر می‌برند، بدون درگیر شدن در بی تفاوتی که تحقیر کننده است، در عادت که روح را بیحس کرده، از کشف حقیقت منع می‌نماید و به سوی بدبینی که مخرب است، سوق می‌دهد.

برای اینکه به توانایی های بشریت برای همدردی و تلاش با هم در شناخت روابط یکدیگر و در توجه قلبی به ضعیفترین اعضاء جامعه و محافظت از ایشان، باور نمود، دلایل بسیار متفاوتی هستند . این رفتار مسؤلیت پذیری ، ریشه اصلی دعوت اصلی زندگی برادرانه و اجتماعی است که هویت و روابط شخصی ما را به عنوان مخلوقات انسانی، بر حسب اراده ی پروردگار به تصویر و شکل خویش، می شناساند. به عنوان مخلوقات قادر به کرامت، موجودیت ما در مقابله با مسؤلیت هایی که به وسیله ی آن همکاری می‌نماییم، بسته به روابط با برادران و خواهران ما دارد. خارج از این روابط، انسانیت مورد سوال قرار می‌گیرد در حالی که راه را به سوی دنیایی تازه طی می‌نماییم، مایلم همه را برای درک این واقعیت، دعوت نمایم تا بر تفاوتها فائق آییم و صلح را به دست آوریم.

برخی از اشکال بی تفاوتی ها

۳. مطمعناً رفتار بی تفاوت، کسیکه قلب خود را برای پذیرفتن دیگران می‌بندد، چشمان خود برای ندیدن آنچه او را احاطه کرده است ببندد، و خود را منحرف کند تا تحت تأثیر مشکلات دیگران قرار نگیرد، مشخصه ای از نوع بشریت است که همواره در هر دوره از تاریخ حضور داشته و گسترش یافته است. علیرغم آن، در روزگار ما، این امر فرا تر از یک محیط فردی و شخصی پا نهاده است و اینکه بعد جهانی به خود گرفته و پدیده « بی تفاوتی در سطح جهانی» را به وجود آورده است.

اولین شکل بی تفاوتی در جامعه، نسب به خدا است، این بی تفاوتی ، همه انسانها و تمام خلقت را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد . این یکی از اثرات اشتباه انسانیت و مادی گرایی در عمل است، همراه با تفکر نسبیتی و پوچ. انسان بر این باور است که خالق خویشتن و زندگی و اجتماع است، احساس کامل بودن می‌کند و هدف او نه تنها جایگزین خدا شدن است بلکه، او را به طور کل نادیده گرفته و حذف می‌کند و ادعا می‌کند که از حقوق کامل برخوردار است. بندیکت شانزدهم در مقابل این خود درکی اشتباه فرد، یادآور می‌گردد، نه انسان و نه پیشرفت او قادر به تشریح معنی آخر موجودیت خویش هستند. و قبل از او پاپ پولس ششم نیز بیان فرمودند: « انسانیت کامل بدون گشایش به سوی وجود مطلق، در شناخت دعوتی که ایده واقعی زندگی انسان را ارائه می‌دهد، وجود ندارد».

بی تفاوتی در قبال دیگران، چهره های متفاوتی به خود می‌گیرد. مثلاً شخصی ، با گوش دادن به رادیو، خواندن روزنامه و یا دنبال کردن برنامه تلویزیونی، از همه چیز خبر دارد؛ ولی این کار را صرفاً به صورتی بی تفاوت انجام می‌دهد و اینگونه اشخاص از حقایق تلخ رویداد های که بشریت را تحت تأثیر قرار می‌دهند، هیچگونه آشنایی ندارند و خود را درگیر این جریانات ندانسته، همدردی نمی‌کند. این رفتار کسی است که آگاه است اما توجه نمی‌کند، و رفتار و افکار و اعمال او تنها متوجه خویشتن است. متأسفانه باید اقرار نمود که، گسترش اخبار رویدادها این دوران، بدین معنی نیست که توجه بیشتری را به مشکلات جلب میکنند که اگر با بیداری وجدان برای ابراز همدردی همراه نباشد، برعکس، میتواند به طور اشباع کننده ای باشد که به بی احساس شدن گرایش یابد؛ تا حدی که از شدت مشکلات می‌کاهد.

برخی، به سادگی از سرزنش فقرا و مشکلات کشورهای فقیر لذت میبرند، با تعمیم ناروا، مدعی به جستجو راه حل آموزش و تربیت صحیح هستند ، که به آنها آرامی بخشد و آنها را به موجودات دست آموز تربیت شده و بی دفاع تبدیل نمایند. این حتی زمانی که، ترد شده گان رشد این سرطان اجتماعی را ببینند که عامل

اصلی فساد بسیاری از کشور ها و دولتها، سازمانها و مؤسسات و هر ایدولوژی سیاسی حاکمان است، بیشتر تحریک کننده میشود.

در موارد دیگر، بی تفاوتی در عدم توجه به واقعیت ها، خصوصاً آنهایی که دور هستند، آشکار می‌گردد. اشخاص نیز ترجیح می‌دهند تا جستجو ننمایند، اطلاع نداشته باشند و در خوش گذرانی ، سلامت و رفاه خویش زندگی نمایند، در نتیجه، گوششان بر درد و رنج بشریت ناشنوا می‌گردد. بدون اینکه متوجه شویم، به موجوداتی عاری از هر گونه احساس همدردی در قبال دیگران در شرایط وخیم آنان ، تبدیل گشته ایم، اهمیتی برای درمان درد آنان، از خود نشان نمی‌دهیم، به نحوی که آنچه بر سر آنان می‌آید ربطی به ما ندارد و رسیدگی به آنان وظیفه ی ما نیست. زمانی که ما راحت هستیم و احساس آرامش می‌نماییم، به طور یقین دیگران را فراموش می‌نماییم (چیزی که خدای پدر هیچ وقت انجام نمی‌دهد)، به مشکلات آنان اهمیت نمی‌دهیم، به درد و رنج و بی عدالتی که متحمل می‌شوند... بنابراین، قلب ما دچار بی‌تفاوتی می‌شود؛ زمانی که من در راحتی به سر می‌برم، آنانی را که وضعیت خوبی ندارند فراموش می‌کنم.

با زندگی در یک خانه مشترک، نمی‌توانیم از سلامتی در آن بی خبر باشیم، همانطور که سعی نمودم در رساله خویش (جلال باد) یادآوری نمایم. آلودگی آب و هوا، تخریب جنگلها، از بین بردن محیط زیست، ثمره ی این بیتفاوتی به دیگران هستند، زیرا همه چیز به هم مرتبط می‌باشند، همانگونه که رفتار انسان با حیوانات، بر رفتار با دیگران نیز تأثیر گذار است. یا باید از کسانی گفت که، در خانه خویش جرأت انجام دادن آنچه را که در جاهای دیگر انجام می‌دهند را ندارند.

بی تفاوتی و عدم مشارکت در این مورد و موارد دیگر نیز، ، در خود بسته بودن و عدم مسؤلیت پذیری را به دنبال دارد، بنابراین به تهی بودن از صلح در خدا، دیگران و خلقت می انجامد.

صلح به عنوان تهدید بر بیتفاوتی در سطح جهانی

۴. بیتفاوتی به خدا از محدوده خصوصی و روحانی شخص فراتر رفته محیط عمومی اجتماعی را لگد مال می‌نماید. بندیکت شانزدهم در این زمینه چنین فرمودند: « بین جلال بخشیدن به خدا و صلح در میان انسانها بر زمین، رابطه ی بسیار نزدیک وجود دارد». به همین منظور، « بدون گشایش به سوی متعالی، انسان طعمه ای آسان بر نسبی گرایی میگردد و دیگر نمیتواند بر حسب عدالت رفتار نماید و برای صلح تلاش نماید».

غفلت و انکار خدا، انسان را به سوی نادیده قرار دادن قوانین دیگر سوق می‌دهد چرا که، فراتر از قانون خویش، قانونی دیگر نمیشناسد. که به نوبه خود بیرحمی و خشونت بی حد و مرز را به وجود آورده اند.

بی تفاوتی به دیگران در سطح فردی و اجتماعی، در ظاهر شرمندگی و عدم فعالیت را به خود می‌گیرد، و نتیجه ی آن تداوم شرایط بی عدالتی و عدم تعادل اجتماعی است، که در عین حال، میتوانند به سوی نفاق یا در هر صورت، فضایی از عدم رضایتمندی را که به خفگی می‌کشد، که دیر یا زود به خشونت و بی امنیتی می‌انجامد.

در این معنی، بی تفاوتی و عدم تعهد ، به صورت جدی، فقدان وظیفه را به وجود می آورد که هر فرد باید بر حسب توانایی و نقشی که به نفع اجتماع در جامعه دارد ، متقبل گردد، بخصوص در زمینه ی صلح که یکی از ارزشهای والای بشریت است.

و هنگامی که در سطح سازمانی انجام می‌پذیرد، بی تفاوتی در قبال دیگری، در قبال هویت و حقوق اساسی و آزادی او، همراه با یک فرهنگ سود جویانه و لذت گرایانه، محرک اصلی اعمال و سیاستهایی میشود که به نحوی صلح را تهدید میکند. اینگونه رفتار بی تفاوتی، میتواند به جایی برسد که عامل توجیه برخی از سیاستهای اقتصادی مخرب همراه با عواقب اسفناک گردد، و به وجود آورنده بی عدالتی، نفاق و خشونت گردد و حاصل آن، قرار دادن رفاه شخصی در اختیار دولتها است.

به همین منظور، بی دلیل نیست، هدف نهایی برخی از پروژه های اقتصادی سیاسی انسانها، حفظ و نگه داری از ثروت و قدرت است حتی اگر لازمه ی آن زیر پا گذاشتن حقوق و نیاز اساسی دیگران باشد. هنگامی که حقوق اساسی مردم مانند، غذا، آب، بهداشت و کار از آنها سلب میشود ، مجبوراً برای کسب آنها متوسل به زور می‌گردند.

علاوه بر این، بی تفاوتی در قبال محیط زیست ، منجر به تخریب جنگلها و طبیعت ، آلودگی هوا، بروز بلایای طبیعی می‌شود که ریشه کن کننده جوامع از محیط زندگی خود می‌باشد. و باعث تزلزل و نا امنی میگردد و شرایط دیگر از فقر و بی عدالتی را به وجود می‌آورد، که عواقب آن اغلب ایجاد فاجعه از نظر امنیت و صلح اجتماعی است. چه بسیار جنگها به خاطر کمبود یا پاسخ به تقاضای سیری ناپذیر منابع طبیعی به وجود آمده اند و خواهند بود.

از بی تفاوتی به سوی رحمت: تغییر قلبی

۵. هنگامی که یکسال پیش، در پیام روز جهانی صلح با موضوع « **دیگر برده نه، بلکه برادر**»، اولین تصویر از کتاب مقدس« هابیل و قائن » در مورد برادری در بشریت اشاره نمودم (پیدایش ۴: ۱– ۱۶)، ، مقصود جلب توجه به این بود که چگونه اولین رابطه برادرانه مورد خیانت قرار گرفت. قائن و هابیل برادر هستند. هر دو از یک رحم به دنیا آمده اند، در هویت یکی هستند و به شمایل و تصویر خدا آفریده شده اند، اما رابطه برادرانه ی انسانی آنها از هم گسست. « نه تنها قائن برادر خود هابیل را تحمل نمی‌کند بلکه او را به قتل می‌رساند». برادر کشی شکلی از خیانت می‌گردد، نهی رابطه برادرانه از طرف قائن با برادر خود هابیل ، اولین گسستگی در رابطه برادرانه خانوادگی، همدردی و احترام متقابل است.

خدا دخالت می‌نماید، تا انسان را بر قبول مسؤلیت در قبال همنوع خود آگاه نماید، همانطور که با آدم و هوا اولین والدین بشریت عمل نمود، که با گناه رابطه خود را با خالق از دست دادند. « پس خدا به قائن گفت: « برادرت هابیل کجاست؟ گفت « **نمی‌دانم مگر پاسبان برادرم هستم؟ گفت چه کردی؟ خون برادرت از زمین نزد من فریاد بر می‌آورد** (پیدایش ۴: ۹–۱۰).

قائن از آنچه بر سر برادرش آمده است، اظهار بی اطلاعی کرده میگوید: **مگر من پاسبان برادرم هستم**؟ و هیچ مسؤلیتی در قبال زندگی او در خود احساس نمیکند. خود را درگیر بر این موضوع نمی‌داند، هر چند در جوهر یکی هستند و مشترک ولی در قبال برادر خویش بی‌تفاوت است. واقعه اسف بار در زندگی برادرانه، خانواده گی و انسانی ! باعث تأسف است ! این اولین بیتفاوتی در بین برادران است. خدا، برعکس، بی تفاوت نیست: خون هابیل در نگاه خدا از ارزش والائی برخوردار است و به همین منظور از قائن توضیح می‌طلبد. بنابراین خدا ، از همان آغاز بشریت آشکار می‌نماید که سرنوشت انسان برای او ارزش بسیاری دارد. هنگامی که پیش تر، فرزندان بنی اسرائیل در موقعیت بردگی در مصر گرفتار می‌گردند، خدا بار دیگر به داد آنها رسیده به موسی میگوید: «**هر آینه مصیبت قوم خود راکه در مصرند دیدم، و استغاثه ایشان را از دست سرکاران ایشان شنیدم، زیرا غمهای ایشان را می‌دانم. و نزول کردم تا ایشان را از دست مصریان خلاصی دهم، و ایشان را از آن زمین به زمین نیکو و وسیع برآورم، به زمینی که به شیر و شهد جاری است**» (خروج ۳: ۷–۸)

مهم است بر کلمات، « **می‌دید، میشنود، می‌شناسد، نزول می‌کند، رها می‌کند**» که عمل خدا را توصیف میکنند دقت نمود:. خدا بی‌تفاوت نیست. همیشه مواظب است و عمل می‌کند.

خدا به همان طریق در فرزند خود، عیسی در میان انسانها نزول نموده، جسم گرفت و نشان داد به انسان در هر چیز به غیر از گناه نزدیک است،. عیسی خود را در انسانیت آشکار نمود « **نخست زاده از برادران بسیار**» (رومیان ۸: ۲۹). او فقط به آموختن مردم اکتفا نمی نمود، بلکه نگران آنها و به فکر آنها بود، مخصوصاً زمانی که گرسنه بودند (مرقس ۶: ۳۴-۴۴) یا بیکار بودند (متی ۲۰: ۳). توجه او فقط به سوی انسانها نبود، بلکه به ماهیان دریا، پرندگان آسمان، گیاهان و درختان، بزرگ و کوچک؛ همه ی خلقت را در بر می‌گرفت.

او به طور یقین میبیند، اما تنها به آن اکتفا نمی‌کند، شخص را لمس می‌نماید، با او سخن می‌گوید، در او عمل می‌کند و به نفع نیازمندان می‌پردازد. نه تنها آن بلکه، منقلب گشته می‌گرید (یوحنا ۱۱: ۳۳-۴۴). و برای پایان دادن به رنج و درد، فقر و مرگ، اقدام می‌کند.

عیسی به ما می‌آموزد، تا مانند پدر رحیم باشیم (لوقا ۶: ۳۶). در مثل سامری نیکو (لوقا ۱۰: ۲۹-۳۷)، عدم یاری رساندن به همنوع در موقع نیاز را مؤاخذه می‌کند « **چون او را بدید از کنار دیگر رفت**» (لوقا ۱۰: ۳۱-۳۲). در عین حال، با این مثال، او شنوندگان خود مخصوصاً شاگردان را دعوت می‌نماید، تا یاد بگیرند چگونه با وجود مشغله بسیار، در مقابل رنج این جهان ، به هر طریق ممکن ایستاده برای رفع آنها تلاش نموده، مرهم بر زخم دیگران بنهند، . بنابراین بیتفاوتی ، همیشه در تلاش است بهانه ای داشته باشد، در رعایت احکام، در تعداد چیزهایی که باید انجام داد، در تضادهایی که ما را از یکدیگر دور نگه می‌دارند، در هر نوع از تعصبات که ما را از همسایه خود غافل می‌کنند.

رحمت، قلب خدا است. به همین دلیل نیز باید قلب همه ی آنانی باشد که خود را عضوی از این خانواده بزرگ فرزندان او می‌شناسند. این قلب، هر جا هویت انسان، که منعکس کننده چهره خدا است، در میان باشد، باید با قدرت بتپد. عیسی ما را از ، محبت به دیگران، بیگانگان، بیماران، زندانیان، بی خانمان ها، حتی دشمنان، برحذر می‌دارد زیرا، وسیله ای است که خدا بوسیله آن بر اعمال ما قضاوت می‌نماید.

هدف نهایی جاودانه ما، به این امر وابسته است. جای تعجب نیست وقتی پولس رسول مسیحیان رم را دعوت می‌نماید تا با کسانی که شادی می‌کنند شادی نمایند، با کسانی که می‌گریند، بگریند (رومیان ۱۲: ۱۵)، و یا اهل قرنتس را دعوت میکند به همدردی با اعضاء ناتوان کلیسا ، «**هر که روز اول هفته از درآمد خویش ، اهدایی جمع نمایند**». (اول قرنتیان ۱۶: ۲-۳). همچنین یوحنا در اولین رساله خویش می‌نویسد: « **اگر کسی**

از مال دنیا برخوردار باشد و برادر خود را محتاج ببیند، امّا شفقت خود را از او دریغ کند، چگونه محبت خدا در چنین کسی ساکن است؟» (اول یوحنا ۳: ۱۷ همچنین یعقوب ۲: ۱۵-۱۶).

به همین دلیل است که « برای کلیسا و اعتبار آن بسیار مهم است تا رحمت را به عنوان شخص اول زندگی کرده بشارت دهد. اعمال و رفتار آن باید رحمت را به دیگران برسانند تا به قلوب اشخاص نفوذ کرده و اشتیاق باز یافت دوباره راه به سوی پدر را ایجاد نماید . اولویت حقیقت کلیسا، محبت مسیح است و از این محبت است که میتوان به بخشش و از خود گذشتگی رسید، چرا که کلیسا، خادم و واسط انسانها است. در هر حال، هر جا کلیسا حاضر است، آنجا رحمت پدر باید احساس گردد. در کلیسا های محلی ما، در جماعت ایمانداران، در سازمانها و گروه های کلیسایی، خلاصه هر جا که مسیحیان حضور دارند، هر کس باید بتواند سرپناهی از رحمت را بیابد.

بنابراین، ما نیز دعوت گردیده ایم تا محبت، ترحم، رحمت و همبستگی را برنامه اصلی زندگی خود قرار داده سبک رفتار ما در قبال دیگران گردد. این امر نیز، نیاز به تغییر قلبی دارد، بدین معنی که بخشش خدا قلب سنگی ما را به دور کرده قلبی گوشتی به جای آن عطا خواهد نمود (حزقیال ۳۶: ۲۶)، تا قادر باشد در یک همبستگی واقعی به دیگران برسد. این در حقیقت، فراتر از « **یک احساس همبستگی مبهم یا ترحم ظاهری بر مشکلات بسیاری از اشخاص دور و نزدیک است** ». همبستگی، عظم و اراده راسخ و پایداری مصمم در تلاش برای منافع مشترک است: یا بهتر، به نفع دیگران و هر فرد است زیرا، همه حقیقتاً مسؤول همدیگر هستیم، زیرا همبستگی ریشه در روابط برادرانه دارد.

ترویج فرهنگ همبستگی و رحمت برای فائق آمدن بر بی تفاوتی

۶. همبستگی به عنوان فضیلت معنوی و رفتار اجتماعی و ثمره ی تغییر فردی، نیازمند تعهد و تلاش ذینفع های متعددی است، که مسؤلیت آموزشی تربیتی را بر عهده دارند.

تفکر اولیه ی من متوجه خانواده است، که برای مأموریت تربیتی آموزشی و ضروری اولیه فرا خوانده شده است. اولین مکان است که در آن ارزش محبت و برادری، همزیستی و مشارکت، توجه و مواظبت از یکدیگر،

پایه گزاری می‌شود. همچنین محیط ایده آل برای انتشار ایمان نیز هست، که از همان حرکات ساده اولیه اطاعت و از خودگذشتگی آغاز می‌گردد که مادران به فرزندان خود یاد می‌دهند.

تا جائیکه به مربیان و آموزگاران در مدارس و یا سایر مراکز تربیتی کودکان و جوانان مربوط است، وظیفه تربیت کودکان و جوانان بر عهده آنان است و به آگاه بودن از مسؤلیت سپرده شده در محیط معنوی، روحانی و اجتماعی اشخاص، فراخوانده شده اند. ارزش آزادی و احترام متقابل و همبستگی می‌توانند از همان سنین طفولیت آموخته شوند. بندیکت شانزدهم با رجوع به مسؤولان مراکز تربیتی فرموده اند: « هر محیط تربیتی باید مکانی باشد برای گشایش متعالی، محل گفتگو، تبادل نظر و گوش فرا دادن که در آن، جوان احساس نماید توانایی ها و ثروت درونی او مورد ارزش واقع گردیده اند، و یاد گیرد تا به برادر خود ارج نهد. بتواند شادی حاصل از زندگی روزمره، شفقت و همدردی در قبال دیگران را تجربه نموده یاد دهد و برای بنای یک جامعه ی ایده آل انسانی و برادرانه نیز، نهایت تلاش را بنماید.

حتی عاملان فرهنگی و رسانه های اجتماعی نیز در تربیت و آموزش، وظیفه خاصی بر عهده دارند، مخصوصاً در جامعه معاصر، که دست یابی به منابع تبادل اطلاعات بیشتر از قبل است. وظیفه آنان این است که منافع شخصی را کنار گذاشته در خدمت حقیقت قرار گیرند. منابع رسانه ای، در واقع، « نتنها وظیفه اطلاع رسانی را دارند، بلکه ذهن دریافت کننده گان خود را تحت تاثیر قرار می‌دهند بنابراین، میتوانند نقش به سزایی در تربیت جوانان ایفا نمایند.

باید در نظر داشت که تربیت و اطلاع رسانی رابطه ای نزدیک به هم دارند. بنابراین تربیت ، به وسیله ی اطلاع رسانی حاصل می‌گردد که بر آموزش و تربیت شخص، مثبت یا منفی، تاثیر گذار است. عاملان فرهنگی و رسانه ای باید همیشه هوشیار باشند تا اینکه دریافت، پخش و دفاع از اطلاعات همیشه قانونی و از لحاظ معنوی و اخلاقی، مجاز باشند.

صلح، ثمره فرهنگ همبستگی، رحمت و همدردی

۷. با آگاهی از جهانی شدن بی تفاوتی، نمیتوان در صحنه هایی که قبلاً به آنها اشاره گردید، رحمت و همبستگی که انسان توانایی آن را دارد، نشناخته گرفت. میخواهم چند نمونه از تعهدات قابل ستایش را خدمتتان ارائه نمایم، که بیانگر هستند، چگونه هر شخص میتواند بر بی تفاوتی فائق آید، زمانی که انتخاب می‌نماید چگونه نگاه خود را از همسایه ی خود دریغ ندارد و بنیان گذار فعالیت نیکو در راهی باشد که به سوی یک جامعه موفق انسانی سوق دارد.

بسیاری از سازمانهای غیر دولتی و گروهای خلاق در داخل و خارج از کلیسا وجود دارند، که اعضای آنها، در موقعیتهای بیماریهای واگیر دار، بلا های طبیعی یا درگیری های مسلحانه، با بسیاری از خطرات و مشکلات مقابله می‌نمایند و بسیاری از زخمی ها را مداوا می‌کنند و بیماران را همراهی مینمایند و درگذشتگان را به خاک می‌سپارند. در کنار آنها، میخواهم از اشخاص و سازمانهایی که به مهاجرانی که با امید اینکه زندگی بهتری را بیابند از بیابانها و دریاها عبور کرده اند کمک رسانی می‌کنند، یاد کنم. این اعمال، نتیجه رحمت جسمی و روحانی هستند، که توسط آنها در پایان زندگیمان هدایت گردیده ایم.

تفکرات من معطوف به روزنامه نگاران و عکاسانی است که نظرات عموم را در این شرایط دشوار که هر وجدانی را به چالش می‌گیرد، منعکس می‌نمایند، به آنهایی که برای دفاع از حقوق بشر تلاش می‌نمایند، مخصوصاً از اقلیتهای قومی و مذهبی، از مردمان بومی، زنان و کودکان و همه ی آنانی که در شرایط آسیب پذیر به سر می‌برند. در میان آنها عده ای از کشیشان و مبشرانی هستند که مانند شبان نیکو، در کنار ایمانداران خود می‌مانند و آنها را با وجود خطرات و مشکلات ، مخصوصاً در شرایط ایجاد شده حاصل از درگیری های مسلحانه تنها نگذاشته بلکه همراهی می نمایند.

این خانواده ها، با وجود بسیاری از مشکلات کاری و اجتماعی، با تلاش بی وقفه با فداکاری و همبستگی و همدردی و برادری، گامهای بسیار مهم ، برای تربیت فرزندان خود، بر می‌دارند. چه بسیاراند خانواده هایی که قلب و خانه های خود را برای پذیرفتن بسیار ی از آواره گان، مهاجران و نیازمندان گشوده اند. میخواهم به طور خاص از همه ی اشخاص، خانواده ها، کلیسا های محلی، اجتماعات مذهبی و صومعه های راهبان و زیارتگاه هایی که به دعوت من مبنی بر پذیرفتن خانواده های آوارگان جواب مثبت دادند، سپاس گذاری نمایم.

در آخر، میخواهم از جوانانی که برای اجرای پروژه های همبستگی گرد هم می‌آیند، همه ی آنانی که آغوش خود را برای همسایه ی نیازمند در شهر و کشور خود و سایر مناطق جهان می‌گشایند یاد نمایم. میخواهم از همه ی آنانی که در اینگونه فعالیت ها شرکت و تلاش می‌نمایند و هیچ وقت از آنها یاد نمی‌شود، قدردانی نمایم، گشنگی و تشنگی آنها برای برقراری عدالت، سیراب خواهد گردید، رحمت آنها بر دیگران، رحمت را برای آنها به ارمغان خواهد آورد؛ آنانی که برای ایجاد صلح تلاش می‌نمایند، فرزندان خدا نامیده خواهند شد (متی ۵: ۶-۹).

صلح در نشانه ای از یوبیل رحمت

۸. هر کس در روح و روان این یوبیل رحمت، فرا خوانده شده است تا بیتفاوتی که در زندگی شخصی خود آشکار می‌گردد، بشناسد و برای هر چه بهتر به واقعیت پیوستن حقایقی را که زندگی می نماید، از خانواده خود گرفته تا محله و محیط کاری خود مشارکت کرده تلاش نماید.

دولتها نیز دعوت گردیده اند تا برای توجه و محافظت از اعضاء ضعیف جامعه ی خود، مانند، زندانیان، مهاجران و آواره گان، بی کاران و بیماران، از خود شجاعت به خرج داده و تلاش نمایند.

آنچه مربوط به زندانیان ضروری است است، اتخاذ اقداماتی است برای بهبود شرایط زندگی آنها در زندان ها ، توجه ویژه به کسانی که از آزادی محروم هستند و در انتظار اجرای حکم هستند، با در نظر گرفتن هدف نظارت بر مجازات و ارزیابی توان امکان ترکیب قوانین ملی احکام جایگزین به حبس.

در این زمینه، مایلم درخواست خود را بر تجدید نظر مقامات دولتی مبنی بر لغو مجازات اعدام به مرگ، جایی که هنوز آن را اجرا می‌نمایند را ابراز نمایم تا اینکه احتمال عفو در نظر گرفته شود.

درباره مهاجران ، میخواهم دعوت خود را برای بازنگری قانون در مهاجرت، تجدید نمایم، تا اینکه اشتیاق استقبال و پذیرش با در نظر گرفتن احترام متقابل در وظایف و مسئولیتهای متقابل ،گسترش یافته، و به تسهیل در ادغام ممکن مهاجران انجامد. در این دیدگاه باید به شرایط زندگی مهاجران، توجه ویژه داده شود، با یادآوری اینکه زندگی غیر قانونی آنها میتواند عاملی برای بروز جرم و جنایت گردد.

مایلم همچنین در این سال یوبیل، سران دولت ها را برای حمایت از برادرانی که از کمبود کار و زمین و محل سکونت رنج می‌بینند، دعوت نمایم تا اقدامات لازم برای رفع آنها را انجام بدهند. فکر میکنم ایجاد شرایط

مناسب برای مقابله با معضل بیکاری اجتماع، که عده ی بیشماری از خانواده ها و جوانان را تحت تاثیر خود قرار داده است و عواقب ناگواری را درون اجتماع به همراه دارد، ضروری باشد. کمبود کار، آغاز سنگینی بر هویت و امید هر است.. یک توجه خاص باید به زنان نمود، که متاسفانه هنوز هم در محیط کار مورد تبعیض واقع می‌گردند، و یا رده ای خاص از کارگران، که شرایط مخاطره آمیز و خطرناکی دارند و حقوق دریافتی آنها با وظیفه اجتماعی کاری آنها مطابقت ندارد.

در پایان، مایلم از همه برای انجام اعمال مناسب و مؤثر برای بهبود شرایط زندگی بیماران ، تضمین دسترسی همه به درمان و بهداشت و داروی مناسب که در زندگی نمیشود به آنها بی توجه بود، از جمله ویزیت و درمان در منزل، دعوت به همکاری نمایم.

مسؤولین دولتها نیز با نگرش به فراتر از مرزهای شخصی، دعوت گردیده اند تا در روابط خود با ملتهای دیگر تجدید نظر نمایند، و قول مشارکت موثر و گنجاندن در زندگی جامعه بین المللی را بدهند، تا اینکه زندگی برادرانه درون خانواده بین المللی نیز تحقق یابد.

در این دیدگاه، مایل دعوتی دیگر نمایم درباره ، جلوگیری از کشیدن ملتهای دیگر به درگیری و جنگ که نه تنها باعث تخریب ثروتهای مادی، فرهنگی و اجتماعی هستند، بلکه برای مدت طولانی، صداقت اخلاقی و روحانی را مختل میکنند، همچنین لغو و یا مدیریت بدهی های دولتهای فقیر؛ اتخاذ سیاستهای همکاری به جای تحت سلطه قرار گرفتن بعضی ایدولوژی های دیکتاتور؛ ارج نهادن به ارزشهای محلی مردم که در هر صورت، به حقوق اساسی و غیر قابل انکار که پا به زندگی می‌نهند، آسیب نرسانند.

این تعمق را همراه با بهترین تبریکات برای سال نو، به شفاعت مریم مقدس، مادری مراقب بر نیازهای بشریت می‌سپارم، تا اینکه در پسر خود عیسی مسیح شاهزاده صلح، اجابت تمنا ها و دعا های روزانه ما را برای دست یافتن به دنیای برادرانه و استوار، طلب نماید.

واتیکان ۸ دسامبر ۲۰۱۵

جشن مریم مقدس بدون گناه بار آمده و آغاز یوبیل رحمت

پاپ فرانسیس